

اول ماه مه درسی مشترک برای کارگران سراسر دنیا

انجمن کارگری دموکراسی خواه ✖

امروز تولید به عنوان مهمترین عامل زایش و تکامل نیروهای مولد انسانی جایی در اقتصاد نفتی و دلالی بازار تجاری ایران ندارد. اقتصاد دلالی به رشد و گسترش اقتصاد غیررسمی و در نتیجه به رواج کار سیاه و اشتغال ناپایدار و موقت دامن می زند. اقتصاد دلالی به واردات بی رویه کالا و کسب سود از این راه تکیه دارد

سال های بسیاری کوشش و تلاش نسل های متفاوتی از کارگران دنیا صرف آگاهی بخشی همراه مبارزات جانفرسا شد تا کارگران شیکاگو در سال ۱۸۸۶ میلادی به عدد هزاران تن با شیوه ای مسالمت آمیز به اعتراض برای برقراری کار ۸ ساعته دست زنند. اما سرمایه داری آزمند و حریص آمریکایی همچون دیگر سرمایه داران دنیا تاب نیامد و با توسل به توطئه و تحمیل جنگ نابرابر بر کارگران به سرکوب و کشتار آنان دست زد و این آغازی بود بر بروز رویدادی بسیار بزرگ که سه سال پس از آن یعنی در سال ۱۸۸۹ میلادی تا بزرگترین گردهمایی بین المللی رهبران جنبش های کارگری و کمونیستی مهمترین کشور های سرمایه داری جهان (انتر ناسیونال دوم) روز «اول ماه مه» را به عنوان روز همبستگی کارگران سراسر دنیا با کارگران و جانبازان خیابان های شیکاگو اعلام دارد. و امروز ۱۲۳ سال است که کارگران سراسر دنیا با برپایی این روز گسترده ترین کلاس درس با موضوعاتی درباره خود شناسی، حق باوری و حق طلبی، دانش و آگاهی بخشی، وحدت و همبستگی طبقاتی را دوره می کنند.

بی هیچ تردیدی مهمترین دستاورد اجلاس سراسری کارگران در ۱۸۸۹مهر تایید بر جهانی شدن «اول ماه مه» است این به آن معنا است که در دنیای کنونی و از آغاز پیدایش نظام های سرمایه داری، کارگران را دردهای مشترک شان بهم پیوند داده است و بی دلیل نیست که بر اولین برگ های هر دفتر و کتاب تاریخ مبارزات کارگران از آغاز تاکنون و بر پیشانی و پرچم هر جنبش کارگری که در هرک جای عالم به راه افتاده است نوشته شده و می شود که: «کارگران جهان متحد شوید!».

دو جنگ جهانی و ده ها جنگ منطقه ای و هزاران کانون تشنج و درگیری

در سراسر دنیا همه گونه خرابی و ویرانی را به بار آورد و مهمترین دستاورد های بشری را ویران و نابود کرد اما نه تنها نتوانست این دستاورد تاریخی کارگران را از میان بردارد بلکه پایان هر دشمنی سرمایه داری جهانی با کارگران و زحمتکشان موجب رشد فکری و بالا رفتن اعتماد کارگران کشورهای مختلف نسبت به یکدیگر شد و به شناخت همگانی هرچه بیشتر از حقوق کار در عرصه بین المللی گردید. تصویب بیش از ۱۹۰ مقاوله نامه بین المللی در باره حقوق کار و پذیرش آن از سوی بیشتر کشورهای دنیا یکی از مهمترین دستاورد هایی است که چنانچه کارگران هر کشور به اهمیت و نقش جدی این کنوانسیون ها در بهبود شرایط کار و زندگی اجتماعی شان واقف باشند و برای جاری شدن آن در روابط کار بکوشند دنیای سرمایه داری قطعاً قادر نخواهد بود نقش و سهم کارگران را نادیده گیرد.

بحران های اعتباری و مالی که طی دوره های مختلف گریبان سرمایه جهانی را گرفته است اولین و جدی ترین آسیب ها را به کارگران کشور های درگیر در این بحران ها و همچنین کارگران کشورهای فقیر و بدهکار پیرامون بلوک های بزرگ اقتصادی و نهادهای مالی وابسته شان (نظیر آنچه در یونان جاری است) وارد آورده است. نتایج ناشی از این بحران ها بیکارکردن روزافزون و تجویز نسخه های ریاضت کشی از سوی دولت های سرمایه داری برای کارگران و زحمتکشان همه کشور های درگیر است. اما به برکت همبستگی سراسری کارگران و زحمتکشان و به یمن درس هایی که از تاریخ مبارزات خود آموخته اند هر بار به شیوه هایی تازه پرچم مبارزه را بر بلندای جهان می نشانند تا نشان دهند درس های «اول ماه مه» را چگونه آموخته اند. نظیر تظاهراتی موسوم به اشغال وال استریت در امریکا در ماه های اخیر و «اشغال بازار سهام» که آخرین آن در روز شنبه ۳۱ مارس در شهرهای میلان ایتالیا و فرانکفورت آلمان علیه سرمایه داری برگزار شد و هزاران تن شرکت کردند.

این درس آموزی اما یکسان نیست. طبقه کارگر هر کشور به میزان تدارکی که طی سالهای موجودیتش فراهم آورده است در این دوره های درس آموزی شرکت می کند و به مقدار بضاعتش از تجارب ارزشمندی که نزد دیگر کارگران است بهره خواهد برد. این تدارک قبل از هرچیز به میزان درک و ضرورت همبستگی سازمان یافته کارگران هر کشور بستگی دارد. بدون وجود سازمان ها و نهادهای کارگری مستقل و آزاد شرکت در این درس آموزی تنها نمایی است از تمایل و خواستی که باید برای به دست آوردن آن، آنرا فریاد زد. کارگران انگلستان و فرانسه از

قرن چهاردهم میلادی این فریاد را سر دادند. در انگلستان آن زمان تلاش برای ایجاد اتحادیه های کارگری جرم و کیفر آن اعدام بود. در چنین شرایطی کارگران انگلستان با بهره مندی از هر امکانی گرد هم آمدند تا طی سالها مبارزه حق داشتن سازمان اتحادیه ای را برای خود قانونی کردند.

در ادامه این کوشش های مصمم و پیگیر در طول قرن ها است که اعتصابات کارگری برای تحقق خواست کار ۸ ساعته شیکاگو سامان می یابد و پافشاری براین خواست و تحقق آن به رغم هزینه های بالایی که به دنبال داشت نه تنها در امریکا که در همه دنیا به دستاوردی برگشت ناپذیر تبدیل می شود.

در عین حال سرمایه داری به اعتبار اصل کسب سود در کمترین زمان و با کمترین هزینه دمادم در کار تدارک بازپس گیری امتیازاتی است که به حقوقی فراملیتی و جهانی بدل شده است. این دستاوردها همه آن حقوقی است که در قالب مقاوله های بین المللی برای کارگران به رسمیت شناخته شده است و با اجرای آن ها بهبود شرایط کار و زندگی برای کارگران امکان پذیر است و همه مصوباتی است که به موجب رعایت آنها ممنوعیت هایی برای بهره کشی از کار کارگران اعم از مردان و زنان و کودکان ایجاد شده و می شود .

امکان این باز پس گیری در کشورهایی که کارگران آن از حداقل تضمین های رعایت این حقوق برخوردارند آسانتر و قابل دسترسی است. این تضمین ها در قانون اساسی و قوانین کار هر کشور وجود دارد اما برقراری آنها منوط به قدرت و توانایی کارگران هر کشور در تعیین سرنوشت خویش است.

طبقه کارگر ایران به رغم داشتن تجارب ارزشمند سال های قبل از حکومت کودتای پهلوی دوم و همچنین تجارب گرانقدر سال های قبل و پس از انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ متاسفانه امروز در بدترین شرایط تاریخی خود قرار دارد. و از وجود مثلث نبود تولید _ بیکاری و گرانی به شدت در رنج است وجود این مثلث و به موازات و همراه با نبود دموکراسی و ضعف جنبش سندیکایی و اتحادیه ای کارگران و عدم حضور احزاب و سازمان های مدافع منافع کارگران به عنوان مثلث مکمل کارگران ایران را در مشارکت و بهره مندی از این درس آموزی تقریبا محروم کرده است.

امروز تولید به عنوان مهمترین عامل زایش و تکامل نیروهای مولد

انسانی جایی در اقتصاد نفتی و دلالی بازار تجاری ایران ندارد. اقتصاد دلالی به رشد و گسترش اقتصاد غیررسمی و در نتیجه به رواج کار سیاه و اشتغال ناپایدار و موقت دامن می زند. اقتصاد دلالی به واردات بی رویه کالا و کسب سود از این راه تکیه دارد و در عرصه تولید هم تنها به بخش هایی نظیر راه سازی و صنایع وابسته آن دل می بندد چرا که بازار تجارت به توسعه راه ها نیازمند است و درآمدی که از این راه نصیب نهادهای بوروکراتیک و نظامی دستگاه حاکمه می شود سرشار است و کنترل و بازرسی بر تعهدات در این امور نیز منتفی است. و در محدوده فرمانروایی کارفرمایان نظامی هم امکان هیچ گونه سازمان یابی کارگران وجود ندارد.

کارخانه ها و مراکز تولیدی که مهمترین آنها پس از نفت، خودروسازی ها، ماشین سازی و صنایع ریخته گری و ذوب فلزات را شامل میشود نیز با توجه به بحران اعتباری و مالی در اروپا و همچنین تحت تاثیر تحریم های اقتصادی کشورهای غربی و اروپایی علیه ایران قادر به تامین قطعات یدکی نخواهند بود و با توجه به این مهم که حاکمیت کنونی به دلایلی که گفته شد هیچ گونه قرابتی با تولید ندارد و بالطبع فاقد هرگونه برنامه ریزی برای جانشین موثر در مقابل تحریم ها است و به انتظارات جامعه برای ایجاد اشتغال نمی تواند پاسخ دهد. و در نتیجه بخش های وابسته به این صنایع نیز به سرعت ناکارآمد خواهد شد. مجموع این شرایط به رشد نرخ بیکاری بیشتر در ایران خواهد انجامید.

عامل گرانی و تورم به عنوات ضلع سوم این مثلث طبقه کارگر ایران را در فقر مطلق فرو برده است. هزینه های سرسام آور مسکن در بیشترین جمعیت کارگری ایران بیداد می کند و دولت ایران نتوانسته است حتی طرح محدود مسکن مهر را هم به سرانجام رساند و با ورشکستگی این طرح که مجموعه ای از تعاونی های مسکن کارگری را دربر می گیرد ته مانده های پس انداز کارگران و همچنین اعتبارات بانکی که به این پروژه اختصاص داده شده بود نیز برباد رفته است و در صورت سرهم بندی آن تنها پرداخت اقساط وام سنگینی بردوش کارگران آوار خواهد شد. سبد هزینه های خانوار مملو از اجناس و اقلامی است که هریک از نرخ رشد گرانی ۲۵ درصدی در پایان سال ۱۳۹۰ بهره مند شده اند. با افزایش ناچیز حداقل دستمزد در سال ۱۳۹۱ که آنهم در شرایط کنونی اعتباری بیش از طرحی به روی کاغذ ندارد نیز کمکی به کارگران برای فاصله گیری از خط فقر نشده است ضمن آنکه مرحله دوم آزادسازی قیمت ها نیز تبعات تورم زای خود را به

کارگران تحمیل خواهد کرد.

کارگران ایران از نظر زندگی سیاسی_اجتماعی در طی سال های پس از انقلاب از رشد درخور و مناسب برخوردار نبوده اند و به دلیل نوپایی و رشد نیافتگی تاریخی و سرکوب های مداوم و بی وفقه آگاهان کارگری و روشنفکران و احزاب طرفدار این طبقه و تسلط فرهنگ غیرکارگری بر شئونات و زندگی این طبقه همواره فاصله جدی بین فهم و عمل کارگران وجود داشته است و عمل کارگران در ایران پیش از آنکه به نیاز های اولیه خود این طبقه پاسخ دهد به تامین منافع دیگران انجامیده است. کارگران از درک ضرورت های مهم و اولیه مانند دموکراسی برای تعیین سرنوشت خود محروم مانده اند و رابطه آزادی و برقراری دموکراسی با زندگی اقتصادی و اجتماعی را دریافته اند. به همین دلیل قادر نبوده و نتوانسته اند از دستاورد بزرگ و جهانی کارگران یعنی سازمان های اتحادیه ای و سندیکایی و همچنین از دستاوردهای ایدئولوژیک_ طبقاتی یعنی داشتن فرهنگ زندگی حزبی که از مبرم ترین و ضروری ترین ابزار های دموکراتیک برای برخورداری از آزادی است، سود جویند و متاسفانه احزاب و جریانات غیرکارگری و ضدکارگری با ترفندهایی از نیرو و توان و استعداد این طبقه بهره برداری کرده اند.

«اول ماه مه» همیشه در ایران مورد بی مهری نظام های سیاسی حاکم بوده است و به همین دلیل درس آموزی از این فرصت جهانی برای طبقه کارگر ایران بسیار محدود شده است. امروز به برکت انتشار وسیع اطلاعات و قابلیت دسترسی به منابع خبری و کند شدن تیغ سانسور کارگران می توانند از امکانات بیشتری برای فهم زندگی اقتصادی_اجتماعی و فرهنگی سایر کارگران در جهان برخوردار شوند به شرط آنکه آگاهان این طبقه و روشنفکران حامی و طرفدار کارگران در دستیابی طبقه کارگر به این مهم او را یاری دهند.